

بازخوانی قرارداد الجزایر

۱۶ اسفند ۱۳۹۴ ساعت ۲۰:۳۱

روز ۱۶ اسفند سالگرد انعقاد پیمان الجزایر است. قرارداد الجزایر در سال ۱۹۷۵ حاصل توافق بین شاه ایران با نخست وزیر وقت عراق بود که در الجزایر امضا شد و در مجالس قانون گذاری دو کشور به تصویب رسید.

روز ۱۶ اسفند سالگرد انعقاد پیمان الجزایر است. قرارداد الجزایر در سال ۱۹۷۵ حاصل توافق بین شاه ایران با نخست وزیر وقت عراق بود که در الجزایر امضا شد و در مجالس قانون گذاری دو کشور به تصویب رسید. این قرارداد اختلافات مرزی ایران و همسایه ی غربیش (عراق کنونی) را حل کرد. اختلافاتی که پیشینه آن طولانی و به زمان اختلافات مرزی دو امپراطوری عثمانی و ایران برمی گردد:

«در قرن شانزدهم بین امپراطوری عثمانی و امپراطوری ایران مرزهای بین سرزمین های دو کشور مشخص نبود و تابع عوامل مختلفی از جمله سابقه ی تاریخی حکومت بر یک منطقه بود.» [۱] اما کمی جلوتر در زمان انعقاد "قرارداد آماسیه" بین شاه طهماسب صفوی و سلطان سلیمان است که اختلافات به این گونه حل شد که: «به عثمانی گرجستان غربی، ارمنستان غربی و عراق، رسید و به ایران ارمنستان شرقی و گرجستان شرقی.» [۲]

از آن زمان تا جنگ ایران و عراق و نقض قرارداد الجزایر در شهریور ۱۳۵۹ یا سپتامبر ۱۹۸۰، اختلافات به اشکال مختلف ادامه داشته و قراردادهایی چون زهاب (۱۶۳۹)، کردان (۱۷۴۶)، ارزروم (۱۸۴۷)، پروتکل تهران (۱۹۱۱)، پروتکل اسلامبول (۱۹۱۳)، کمسیون تحدید حدود (۱۹۱۴)، پیمان سعدآباد (۱۹۳۷) در راستای رفع اختلاف دو کشور در تعیین حدود مرزی ایران با کشور همسایه ی غربی اش، بسته شد و در این فاصله ۴۲ ساله «حد اقل ۱۶ قرارداد رفع اختلاف مرزی ایران با همسایه غربی اش منعقد شد.» [۳]

بعد از جنگ جهانی اول، کشورهای پیروز، تصرفات عثمانی را جدا کردند و تحت قیمومیت قرار دادند. عراق و فلسطین و... سهم انگلستان شد و فیصل پادشاه عراق و تحت الحمایه انگلیس قرارداد ۱۹۳۷ را با ایران بست و در آن توافق شد: «رودخانه اروندرود، بطور مساوی برای کشتی های تجاری تمام کشورها باز باشد و عوارض اخذ شده صرفا صرف بهبود کشتیرانی شود، کشتی های جنگی طرفین قرارداد، فقط می توانند عبور کنند.» [۴]

این قرارداد هم با آغاز نقض آن از سوی عبدالکریم قاسم در ۱۹۶۹م و منازعه خونین ایران و عراق از سوی دو کشور لغو شد، دولت عراق در ۱۵ آوریل ۱۹۶۹ سفیر ایران را فراخواند و به او گفت «دولت عراق شط العرب [اروند رود] را جزیی از قلمرو خود می‌داند، و از دولت ایران درخواست می‌کند به کشتی‌هایی که پرچم ایران را در شط العرب برافراشته‌اند دستور دهد که پرچم خود را پایین آورند و اگر در آن کشتی، فردی از افراد نیروی دریایی ایران باشد، باید آن کشتی را ترک کنند، در غیر این صورت دولت عراق با قوه ی قهریه افراد نیروی دریایی ایران را از کشتی‌ها خارج خواهد کرد. و در آینده نیز اجازه نخواهد داد کشتی‌هایی که به بنادر ایران حرکت می‌کنند وارد شط العرب شوند.» [۵]

سرانجام آخرین قراردادی که تاکنون سند حل اختلافات ایران و عراق در این باره است، تحت عنوان قرارداد الجزایر در سال ۱۹۷۵م (۱۳۵۳ش) منعقد شد.

در مورد زمینه‌های عقد این قرارداد و بازی‌های سیاسی که بر رهبری قدرت‌های استعماری و ابزار سازمان ملل صورت گرفت تا در نهایت ایران به عقد قرارداد- که نسبت به قبلی‌ها شرایط بهتری داشت...تن داد. نماینده ی اسبق جمهوری اسلامی ایران، که از نزدیک در جریان اوضاع بوده، مطالبی را مطرح کردند: «بعد که در عملیات کربلا پیشرفت‌های نظامی عمده‌ای بدست آوردیم و به بصره نزدیک شدیم، وضع داخلی عراق بیشتر تضعیف شد، وضع موجود یعنی حضور ما در حوالی بصره، تحمل تلفات و ضایعات سنگین از سوی عراق و آزادی بخشی از اراضی در داخل عراق، مشکلات سیاسی زیادی بوجود آورد، از طرفی دیگر توطئه پایین آمدن بهای نفت هم به شکست انجامید. و کشورهای خلیج فارس مثل عربستان سعودی از لحاظ درآمدهای نفتی دچار مشکل شدند و در نتیجه کمک‌های اقتصادی آنها به صدام تا حدودی تقلیل پیدا کرد... کسانی که بدقت اوضاع را زیر نظر داشتند احساسی کردند باید دست به کاری بزنند... لذا با یک حرکت سیاسی تازه کوشیدند آرامش بیشتری را برای منطقه فراهم کنند، این حرکت سیاسی چند جهت داشت: ۱- سعی کردند یکی از خواسته‌های ایران را بنحوی تأمین کنند تا ایران راضی شود. ۲- باید کاری می‌کردند تا از رژیم‌های حامی صدام در منطقه بتدریج حمایت بیشتری به عمل آورند، ضمناً از نظر سیاسی باید در صحنه ی بین‌الملل حرکتی بوجود آورند که عراقی‌ها، کشورهای عربی و کسانی را که از امواج انقلاب اسلامی نگران هستند امیدوار کنند. برای اینکه جمهوری اسلامی راضی شود صدام را محکوم و به یکی از خواسته‌های ایران که تعیین مسئولیت جنگ است اعتراف کردند، در نتیجه قطعنامه ی ۵۹۸ بوجود آمد...» [۶]

مفاد اعلامیه الجزایر

اعلامیه و قرارداد الجزایر که با میانجیگری «پهواری بومدین» رئیس جمهور الجزایر و حضور او در گفتگوهای طرفین ایجا شد در مرحله اول اصول مورد توافق طرفینی را به شرح زیر داشت:

۱- طرفین مرزهای زمینی خود را بر اساس پروتکل اسلامبول ۱۹۱۳ و صورت جلسات ۱۹۱۴ تعیین می‌کنند. [در پروتکل اسلامبول ۱۹۱۳ آمده، خط مرزی در هر محل بوسیله کمیسیون تحدید حدود، مرکب از نمایندگان چهار دولت مشخص خواهد شد،

امتیاز نفت در اراضی انتقالی ایران به عثمانی به قوت خود باقیست و در صورت جلسات ۱۹۱۴، ۷۰۰ مایل مربع از اراضی ایران واقع در شمال و جنوب قصر شیرین را به دولت عثمانی واگذار کردند که بخشی از صادرات نفت عراق امروز از چاه های نفت خانه و خانقین در این اراضی است.

۲- دو کشور مرزهای آبی خود را بر اساس خط تالوگ تعیین کنند. [خط تالوگ تعیین کننده ی عمیق ترین ژرفای یک رودخانه است، هم چنین به مسیر قابل کشتیرانی رودخانه ها هم مرتبط می باشد.]

۳- طرفین متعهد می شوند که در مرزهای خود کنترل دقیق و مؤثری به منظور قطع هرگونه رخنه و نفوذ جنبه ی خرابکارانه داشته باشد، اعمال کنند.

۴- مقررات فوق عوامل تجزیه ناپذیری برای یک راه حل کلی بوده، در نتیجه نقض هر یک از مفاد فوق با روحیه توافق الجزیره مغایر است. [۷]

پس از صدور این اعلامیه طی نشست در سطح وزیران امور خارجه دو کشور، عهدنامه ی مرزی ۱۹۷۵ یا قرارداد الجزایر را با پروتکل های زیر امضاء نمودند:

۱- پروتکل راجع به علامت گذاری مجدد مرز زمینی بین ایران و عراق،

۲- پروتکل راجع به تعیین مرز رودخانه های بین ایران و عراق،

۳- پروتکل مربوط به امنیت در مرز ایران و عراق،

۴- پروتکل راجع به استفاده از آب رودخانه های مرزی،

۵- پروتکل راجع به مقررات مربوط به کشتیرانی،

۶- پروتکل راجع به تعلیق احشام،

۷- پروتکل راجع به کلانتران مرزی،

این توافقات و قراردادها از همان تاریخ قرارداد لازم الاجرا شد و در دفتر سازمان ملل متحد تحت عنوان: معاهدات ایران و عراق به

نقض قرارداد الجزایر

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۱۹۷۹م (۱۳۵۷ش) عراق طی محاسبات برنامه‌ریزی شده خود، فرصت را مناسب دید که حملات خود را با اهداف متعددی به جمهوری اسلامی ایران شروع کند، صدام حسین رئیس جمهوری وقت با نقض قرارداد الجزایر به طور رسمی در شهریور ۱۹۸۰ علیه ایران اعلام جنگ کرد.

بررسی علل و اهداف رژیم بعث عراق را از نقض قرارداد الجزایر، به نقل از نویسنده ی مصری مدافع ناسیونالیسم عرب و وزیر خارجه سابق کشورش می‌آوریم تا از دیدگاه دوستان عراق و قومیت عربی مطلع شویم: «همه تحلیل گران سیاسی و نظامی بر این عقیده‌اند که حکومت عراق به حکم طبیعت و منافع خود فرصتی مناسب و تکرار ناشدنی را برای بازیابی نقش ژاندارمی منطقه خلیج فارس بعد از سقوط شاه، بدست آورده و... علاوه بر این حکومت عراق فرصتی استثنایی برای نقض قرارداد ۱۹۷۵ و بازپس گیری شط العرب [اروند رود] به چنگ آورد... و به آرزوی خود یعنی تبدیل شدن به بزرگ ترین رهبر منطقه خلیج فارس نائل می‌شود و به این وسیله مرکز فرماندهی امت عرب را در دست می‌گیرد... همه اینها در کنار دشمنی شخصی صدام حسین با [امام] خمینی را باید در نظر قرار گیرد.» [۸]

برقراری حاکمیت مطلق بر اروندرود، تجزیه خوزستان از ایران، سرنگون کردن دولت ایران، ایفای نقش ژاندارم منطقه، رهبری جهان عرب، ادعا در مورد جزایر سه گانه ایران، از جمله اهدافی است که رژیم بعث عراق با نقض قرارداد الجزایر خواهان رسیدن به آن بود و صراحتاً این اهداف و ادعاها در سخنان رهبران عراق مورد تاکید قرار می‌گرفت: «صدام پیش از آغاز جنگ خود با ایران، به منظور موجه ساختن این اقدام در نزد مردم عراق، به اجرای عملیات تبلیغی و روانی متمرکز و منظم برای برانگیختن روح ملی گرایی عراقی‌ها و نیز به یادآوری حقوق تاریخی عراق در شط العرب [اروند رود] و عربستان [خوزستان] و برخی مناطق دیگر، پرداخت و خوف و هراسی از خطر فارس برای عراق و امت عربی در دل‌ها انداخت و تصرف جزایر تنب کوچک و بزرگ و ابوموسی را بهانه ساخت...» [۹]

الان که این مطلب را می‌نویسم (۱۳۸۷ش) سال هاست رژیم صدام سرنگون شده است، در حالی که مردم کشورش را با فقر اقتصادی، علمی، نظامی، فرهنگی و صنعتی دست به گریبان نموده است و سال‌های حکومت خود را چنان با خفقان و بی‌تدبیری و عقب افتادگی سپری نمود که بعد از اعدامش مردم این کشور به شادی و پایکوبی پرداختند، همین صدام در سال‌های نقض قرارداد الجزایر می‌گفت: «امیدوارم از این که در برابر مجلسی ملی، بخشی از سخنانم را خطاب به ملت ایران اختصاص می‌دهم، تعجب نکنید زیرا در حال حاضر ملت ایران در محنت و بدبختی واقعی بسر می‌برند و مسئولیت‌ها این نیست که به جای آنان برای رهائیشان از این محنت تلاش کنیم ولی وظیفه ی انسانی ما حکم می‌کند که بیچارگی و درماندگی آنان را درک کنیم و اگر آنان را برای رهایی از دست دشمن مشترک یاری دهیم، به خطا نرفته‌ایم.» [۱۰]

در حالی که بعد از این جنگ و طی آن، نظام جمهوری اسلامی ایران توانست در عرصه‌های مختلف، علمی، اقتصادی، صنعتی، نظامی و... به پیشرفت‌های افتخارآفرینی برسد و این مسیر توسعه هم چنان ادامه دارد.

نقض قرارداد الجزایر در خبرگزاری‌های بین‌المللی [۱۱]

نیویورک تایمز در ۶/۷/۱۳۵۹ (۲۸/۹/۱۹۸۰)، اعلام کرد که: صدام حسین قرارداد تحقیرآمیزی را که ایران قدرتمند در سال ۱۹۷۵ (به عراق) تحمیل کرده بود، لغو نمود، وی می‌خواهد ضعف و در صورت امکان، سرنگونی رژیم آیت الله روح الله خمینی را در ایران نشان دهد.

فاینشان تایمز در ۲۸/۶/۱۳۵۹ (۱۹/۹/۱۹۸۰) نوشت: روز سه شنبه، عراق اعلام کرد که کنترل تمامی آبراه حیاتی اروندرود را دست گرفته است. عراق اعلام کرد: از این پس باید تمامی کشتی‌ها در اروندرود، پرچم عراق را حمل کنند و از دستورات مقامات این کشور متابعت نمایند.

کریستین ساینس مانیتور در ۳۱/۶/۱۳۵۹ (۲۲/۹/۱۹۸۰) آورد: هدف فوری عراق در نزاع با ایران پس گرفتن امتیازاتی است که در سال ۱۹۷۵ به ایران داده بود....

سرانجام با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در کشور باز بر سر تعهدات خود بر قرارداد الجزایر توافق کردند، صدام اوت ۱۹۹۰ با لزوم مبنا قراردادن عهدنامه ۱۹۷۵ موافقت نمود.

[۱]. ابوغزاله، عبدالحلیم؛ جنگ ایران و عراق، ت: نادر نوروزشاد، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۰، ص ۴۰.

[۲]. منصورى لاریجانی، اسماعیل؛ تاریخ دفاع مقدس، قم: انتشارات خادم الرضا، ۱۳۸۲، صص ۱۳-۳۷.

[۳]. ولایتی، علی اکبر؛ تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶، ص ۸۰.

[۴]. منصورى لاریجانی، اسماعیل؛ پیشین، ص ۳۶.

[۵]. جعفری ولدانی، اصغر؛ کانون‌های بحران در خلیج فارس، تهران: موسسه کیهان، ۱۳۷۱، ص ۲۳۶.

[۶]. هدایتی خمینی، عباس؛ شورای امنیت و جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۰، ص ۱۳۵ و ۱۳۶.

[۷]. منصوری لاریجانی، اسماعیل؛ پیشین، ص ۳۷.

[۸]. ابوغزاله، عبدالحکیم؛ پیشین، ص ۴۴.

[۹]. همان، ص ۴۹.

[۱۰]. منصوری لاریجانی؛ پیشین، ص ۹۳.

[۱۱]. رک: اسناد تجاوز به روایت مطبوعات خارجی، بنیاد حفظ آثار و ارزش های دفاع مقدس، تهران، ۱۳۷۲.

منبع: سایت پژوهشکده باقرالعلوم

آدرس مطلب :

<https://www.cafetariikh.com/news/۳۲۷۹۰/الجزایر-قرارداد-بازخوانی/>